



بازتعریف مفهوم کیفیت در سکونتگاه‌های غیررسمی

گفت و گو با مظفر صرافی*

و خوشبختی نمی‌کند. چنانچه بگوییم تا زمانی که به نیازهای مادی پاسخ داده نشده، نباید به تأمین نیازهای معنوی و روحی پرداخت خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم زیرا کلیه اقدامات در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و بیولوژیک انسان‌ها تعریف خواهد شد. می‌گوییم به این مقدار زمین برای مسکن احتیاج داریم، به این مقدار هم برای خدمات روزمره و آموزشی و درمانی و فضای سبز، و این زیربنایها هم باید تأمین شوند؛ و در نتیجه، آن اتفاقی را که باید در ادامه تأمین نیازهای مادی بیفتد و موجب احساس رضایت، خوشبختی و منزلت برای افراد به‌ویژه تهی‌دستان شود مد نظر قرار نخواهیم داد. از اینجا بنده وارد بحث کیفیت زندگی در اسکان غیررسمی می‌شوم.

سکونت‌گاه‌های غیررسمی را بدون تعارف باید پیامد شکست برنامه‌ریزی رسمی شهری مان بدانیم. در طرح‌های جامع شهری کشور، حداقل سه دهک پایین درآمدی شهروندان حذف می‌شوند. فضایی که در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری پیش‌بینی می‌شود دارای ضوابط و مقرراتی است که معمولاً برآمده از استانداردهای ذهنی برنامه‌ریزان و طراحان شهری برای سطح زندگی میانگین و بالاتر از میانگین شهروندان است و امکان زیست و برخورداری از خدمات در سطح توان مالی اقشار کم‌درآمد و هموطنان تهی‌دست را نمی‌دهد. بر این اساس این گروه از هموطنان

به نظر شما، مفهوم کیفیت را در عرصه سکونت‌گاه‌های غیررسمی چگونه می‌توان تعریف کرد؟ آیا تعریف کیفیت در این دست سکونت‌گاه‌ها با سایر نقاط شهر تفاوت دارد؟

در ابتدا اجازه می‌خواهم با مقدمه‌ای شروع کنم که در ادامه آن به بحث کیفیت فضای زندگی شهری در سکونت‌گاه‌های شهری برسم. ببینید، در پاسخ به نیازهای انسان، معروف‌ترین طبقه‌بندی «هرم مازلو» است. مازلو در برآورده ساختن نیازهای انسان اولویت‌هایی قائل می‌شود. وی در قاعده این هرم و در واقع در اولویت نخست، نیازهای فردی، بیولوژیک و عینی را به عنوان پایه قرار می‌دهد. هرچه نیازها به سمت حوزه‌های اجتماعی، ذهنی و معنوی می‌روند، در سطوح بالاتری از این هرم قرار می‌گیرند. در واقع، این هرم اشاره به این مسئله دارد که تا زمانی که نیازهای مادی و بیولوژیک انسان تأمین نشده است، او به سراغ تأمین سایر نیازهایش نمی‌رود. امروزه این نظریه زیر سؤال رفته است. گفته معروفی در زبان انگلیسی هست که «انسان تنها به نان زنده نیست». این گفته به این نکته اشاره دارد که اگر نان انسان به عنوان نمادی از نیازهای ضروری و بیولوژیک تأمین شود، او نیازهای دیگری هم دارد که در صورت برآورده نشدن آنها، احساس رضایت